

اعتصابات هفت تپه و گامی دیگر در پیشروی جنبش کارگری

همچنانکه همه ما به خوبی می دانیم و به طور مداوم شاهد آن هستیم ، امروز طبقه کارگر در شرایطی دشوار و غیر انسانی زیست می نماید. کارگران ایران از تمامی حقوق انسانی خود محروم هستند ، تا جائیکه جدیداً با بالا رفتن تورم و گرانی از برکت نظام سرمایه و دولت حامی آن این شرایط اسفبار حالتی مضاعف به خود گرفته است . حق داشتن خوراک ، پوشاک و مسکن مناسب ، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بهداشت و آموزش رایگان ، حق برخورداری از امنیت شغلی و حداقل حقوق بیکاری ... ، از جمله حقوق پایه ای یک انسان برای زندگی در یک شرایط انسانی است که متأسفانه امروزه طبقه کارگر ایران از همه این حقوق اساسی محروم می باشد. آنچه که در وضعیت فعلی فضای زیست کارگران را بحرانی تر نموده است ، تورم و گرانی های اخیر در کنار فضای سرکوب و اختناق است.

در این میان امنیت شغلی کارگران نیز به دلیل قانون قراردادهای کار موقت و سفید امضاء به کلی به مخاطره افتاده است. علاوه بر این تعطیلی واحد ها و کارگاههای کوچک به بهانه عدم سود آوری آنها این مخاطرات را افزایش داده است و همین اخراجها و بیکارسازیها سلاح بُرنده ای در دست سرمایه داری ایران برای سرکوب و استثمار هر چه افزونتر طبقه ی کارگر ایران می باشد . علاوه بر تمامی این معضلات گریبانگیر طبقه ی کارگر ، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارگران گاهاً به مدت چندین ماه متوالی طبقه کارگر ایران را به شدت در منگنه قرار داده است ، نظام سرمایه داری دیگر حتی از یورش بردن به این دستمزدهای ناچیز کارگران نیز ابائی ندارد.

با توجه به شرایط پیش آمده طبقه ی کارگر ایران میرود تا از حداقل شرایط برای زیست خود نیز محروم گردد . از اینها به عنوان پایه ای ترین حقوق انسانی یک انسان که بگذریم فضای اختناق و سرکوب در ایران حق نفس کشیدن در برابر این همه تعدی و ستم را از کارگران گرفته است کارگران حق هیچ گونه اعتراضی نسبت به وضعیت پیش آمده را ندارند در غیر این صورت اعتراض آنان با سرکوب و زندانی شدن فعالین کارگری و کارگران معترض جواب داده میشود .

در این شرایط کارگران به خوبی دریافته اند که مبارزه جدا و منفرد نمی تواند آنها را به مطالباتشان برساند و چون نیرویی که در مقابل آنان قرار گرفته است نیروئی منسجم و متشکل می باشد بنابراین آنها نیز ناچار از متحد شدن حول خواسته ها و مطالبات پایه ای و

مشترکشان می باشند طبقه کارگر ایران در طول نزدیک به یک قرن مبارزه ی پیگیر خود به این آگاهی دست یافته و آن را به سنتی مبارزاتی تبدیل نموده اند ، امروز خواست ایجاد تشکل مستقل کارگری در لیست مطالبات مطرح در اعتصابات اخیر کارگران ، موجود است .

با توجه به این شرایط است که اعتصابات کارگران هفت تپه را به جرأت می توان نقطه عطفی در مبارزات کارگران ایران در شرایط کنونی دانست . مطالبات این کارگران همان مطالبات سراسری طبقه کارگر ایران می باشد : پرداخت حقوق معوقه ، منع تعقیب و فشار بر کارگران معترض و نیز فعالین پیشرو کارگری ، حق ایجاد تشکل ، و بنابراین اعتصابات کارگران هفت تپه جدا از اعتراضات کارگران دیگر بخشهای اقتصادی نمی باشد. اوضاع بد اقتصادی و سیاسی تقریباً به یکسان همه طبقه کارگر ایران را تحت تأثیر قرار میدهد و آنها در متن همین اوضاع و شرایط خاص با نظام سرمایه داری و دولت حامی آن در حال مبارزه هستند. به عبارتی آنان به مصاف سیستمی واحد میروند.

اما به راستی دستاوردهای این حرکات کارگران چه می باشد . دستاوردهای هر اعتصاب کارگری را باید با توجه به نقشی که در پیشبرد و تقویت اهداف جنبش کارگری دارد بررسی نمود. هر چند هنوز اعتصابات کارگران به پایان نرسیده است و جمهوری اسلامی هنوز هم در مقابل خواست کارگران تسلیم نشده است که هیچ ، بلکه بنابر سنت دیرینه خود در سرکوب جنبش های اجتماعی اینبار نیز همین سیاست را در پیش گرفته ، اما مقاومت کارگران در این دوره از اعتصابات می تواند نوید بخش دستاوردهای گرانبهایی برای کل جنبش کارگری ایران باشد. کارگران ایران واقعاً درس مقاومت و پایداری را از کارگران هفت تپه می آموزند و به این مسئله آگاه می شوند که ایستادگی درحین وحدت در برابر سرمایه وحامیاناش می تواند آنها را به مطالباتشان برساند . و این خود دستاورد گرانبهایی برای طبقه کارگرایران در جریان مبارزه است .

اعلام حمایت های گسترده کارگران در سایر بخشهای دیگر اقتصادی (تاکنون کارگران این کارخانه ها اعلام حمایت نموده اند: انجمن فلزکاران و برق کاران اصفهان و کرمانشاه ، کارگران شاهو ، اتحادیه آزاد کارگران ، پالایشگاههای فاز 9 و 10 عسلویه ، کارخانجات ریسندگی پردیس ، پتروشیمی کرمانشاه ، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ، و جمعی از کارگران ایران خودرو و نیز جمعی از کارگران شهر قم و ...) و نیز حمایت سایر جنبش های اجتماعی از مطالبات این کارگران را از نظر من می توان به عنوان یکی از

دستاوردهای مهم این اعتصابات یاد کرد. طبقه کارگر ایران به این آگاهی رسیده است که خواسته‌ها و مطالبات امروز کارگران در هفت تپه در واقع همان مطالبات آنان نیز می‌باشد زیرا امروز کلیت طبقه کارگر ایران در شرایط یکسانی زیست می‌نماید و حتی اگر امروز بخشی کوچک از کارگران هنوز با این مشکلات روبرو نشده‌اند و هنوز بحران دامنگیر شاخه‌هایی را که در آن فعالیت می‌نمایند نشده است نمی‌تواند تضمین‌کننده این باشد که این وضعیت در فردای روز نیز حفظ شود، همه میدانند که بحران جامعه سرمایه‌داری ایران در وضعیت فعلی ساختاریست نه مقطعی بنابراین دیر یا زود آنها نیز با این شرایط روبرو خواهند گردید.

همچنین کارگران ایران در طی مبارزات گسترده هم طبقه‌ای‌های خود در هفت تپه به قدرت و عظمت اتحاد و همبستگی بیشتر پی بردند، آنها به خوبی دریافته‌اند که مداومت این مبارزات در چنین شرایط دشواری تنها با نیروی اتحاد این کارگران ممکن گردیده است. هر چند هنوز دولت سرمایه‌دار برابر خواسته‌های آنان واکنشی جز سرکوب از خود نشان نداده است اما این خود حکایت از امید داشتن دولت به فرونشستن اعتصابات به دلیل ضعف بنیه اقتصادی کارگرانی که ماههاست حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، دارد. نمونه این مقاومت دولت، محاکمه و دادگاهی بعضی رهبران زندانی این اعتصابات و نیز گسترده‌سازی دستگیریه‌ها و بازداشت‌کردن‌های کارگران در جریان این رویدادها میباشد. و این باز یکی دیگر از دستاوردهای این اعتصابات است که فعالین و پیشروان کارگری به این نقطه ضعف مبارزه کارگران در هفت تپه پی برده‌اند و مطمئناً در آینده نزدیک راه چاره‌ای برای آن با رجوع به سنت‌های مبارزاتی طبقه کارگر ایران خواهند یافت.

دستاوردهای عمومی که این مبارزات به شکل عموم آن (دستاوردهای تمامی مبارزات چند سال اخیر کارگران در ایران) داشتند این بود که برای طبقه کارگر ایران به روشنی مسجل و مسلم شده است که هر میزان خواسته و مطالبه و هر نوعی از اعتراضات آنان با پشتیبانی دولت حامی سرمایه‌دار از طرف کارفرمایان و سرمایه‌داران به شدت سرکوب میشود و در این راه حتی از کشتار کارگران نیز ابایی ندارند کما اینکه کشتار کارگران بیگناه خاتون آباد این مسئله را به خوبی آشکار می‌سازد. کارگران به خوبی به این مسئله آگاه گشته‌اند که دولت هر گونه ایجاد اختلال در فرایند انباشت سود و ارزش اضافی را به بهانه برهم زدن نظم موجود که یک نظم بورژوازی برای استثمار کارگران و زحمتکشان مزدیگیر جامعه است، سرکوب مینماید. کارگران خود در جریان این مبارزات به این آگاهی طبقاتی دست یافته‌اند.

اما در کنار همه اینها نه تنها از نظر من بلکه شاید از نظر هر فعال کارگری دیگری کل مبارزات و اعتصابات کارگری در ایران دارای دو ضعف عمده می باشند :

بزرگترین ضعف و مهمترین آن متشکل نبودن طبقه کارگر ایران است . از زمان سرکوب تشکلهای کارگری در سال 1360 به بعد زیر فضای خفقان و سرکوب و به تبع آن محروم شدن کارگران از رهبران علنی و فعالان پیشرو، کارگران نتوانسته اند تشکلهای مستقل و آزاد خود را ایجاد یا بازگشائی نمایند ، در این میان باید به نقش سرکوبگر شوراهای اسلامی کار که در سال 63 از طرف مجلس در جهت کنترل محیط های کارگری و شناسائی فعالان آن تصویب گردید ، اشاره نمود. اما کارگران هیچ گاه این گونه تشکلهای فرمایشی را به عنوان تشکلات واقعی کارگری به رسمیت نشناختند و برای عقب راندن سیاستهای سرکوبگرانه این تشکلات و ایجاد تشکلهای واقعی خود مبارزه نموده اند. نمونه اخیرش که چند سال پیش وبه حضور سازمان جهانی کار در ایران برمی گردد، اعتراضات فعالین کارگری در به رسمیت شناختن خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از طرف این سازمان به عنوان نمایندگان واقعی طبقه کارگر ایران بود که در نهایت به ایجاد دو کمیته تحت عنوان کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل کارگری (که گرایش راست جنبش کارگری در آن تبلور یافته بود) و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری (که گرایش چپ جنبش کارگری به حساب می آمد) و نیز تشکیل کمیته های کارگری و در نهایت بازگشائی سندیکای شرکت واح اتوبوسرانی تهران منجر گردید .

خوشبختانه به همت مبارزات پیگیر کارگران ، تعداد این تشکلات رو به افزونی ست تا جائیکه اکنون کارگران هفت تپه نیز اقدام به بازگشایی سندیکای خود نموده اند و خواست به رسمیت شناختن آن از طرف دولت را در لیست مطالبات خود قرار داده اند . اما این ضعف هنوز کاملاً برطرف نشده است و چه بسیار کارگرانی هستند که در شاخه های متفاوت صنعت علی رغم شرایط اسفبارشان ، به دلیل ترس از بیکار شدن (که در حال حاضر مثل بختک بر زندگی کارگران ایران سنگینی میکند) هنوز موفق به ایجاد تشکلهای خود نشده اند ، نمونه اش همین کارگران آجر پزی در سراسر کشور می باشند که در اوضاع و شرایط اسفباری به سر می برند ولی هنوز از داشتن تشکلهای مستقل خود بی بهره هستند . همین مسئله باعث شده است که اعلام حمایتها از مثلاً مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه جنبه سراسری تری به خود نگیرد و تنها در حد صدور بیانییه های حمایتی بماند نه پشتیبانی عملی از آنها .

دوم : این ضعف نیز به نحوی مشخص باز به متشکل نبودن کارگران ایران ربط پیدا می کند و آن نبودن یک صندوق اعتصاب در کارخانجات و یا حتی به صورت سراسری می باشد . همچنانکه در اول مصاحبه اشاره کردم واقعاً کارگران ایران در شرایط کنونی به دلیل عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایای شان در وضعیت اسفباری به سر میبرند بنابراین ضعف بنیه مالی باعث میشود که اعتصابات که از طرف کارگران صورت می گیرد علی رغم به نتیجه نرسیدن و عدم دستیابی به مطالبات شان به مدت بسیار کوتاهی دوام می آورد. همین مسئله امتیاز مهمی در دست دولت و سرمایه داران است که در برابر خواسته ها و مطالبات کارگران واکنشی غیر از سرکوب و ارباب از خود نشان ندهند . اینجاست که شجاعت و پایداری کارگران هفت تپه در چنین شرایطی تحسین هر انسان منصفی را بر می انگیزد ، کارگرانی که علی رغم عدم دریافت دستمزد های سه ماه گذشته خود 25 روز است که در اعتصاب به سر میبرند . تشکیل یک صندوق اعتصاب در محیط های کاری می تواند توان مبارزاتی کارگران را افزونتر سازد و چشم انداز روشنتری برای آینده آنان فراهم سازد .

به نظر من مهم ترین کمکی (با توجه به نقطه ضعف هایی که در بالا به آن اشاره کردیم) که می شود از طرف کارگران دیگر بخشها و فعالین کارگری و سایر تشکلهای کارگران به آنها ارائه شود کمک ها و مساعدت های مالی است (البته در قالب صندوق اعتصاب) تا آنان بتوانند تا رسیدن به مطالباتشان به مبارزه و اعتراض خود ادامه دهند . خانواده های این کارگران علاوه بر فشارهای روحی و روانی ناشی از بیکار شدن نان آور خانواده و بی درآمدی مفرط ، در طول این مبارزه دلهره های ناشی از امکان دستگیری و ربوده شدن کارگران را تجربه می کنند . کارگران و فعالین کارگری باید تشکیل صندوق اعتصاب را به مانند یک سنت مبارزاتی قوی در مبارزات کارگری دوباره زنده نمایند .

از طرف دیگر این وظیفه فعالان و کمیته هایی که برای کمک به سازمان یابی و متشکل شدن کارگران تشکیل شده اند ، می باشد که در جهت دادن اصولی و منطقی کارگران به سمت ایجاد تشکلهای مورد نظر کارگران و نیز کمک به سازمان یابی آنها حداکثر توان خود را صرف نمایند . در این میان من علی الخصوص به نقش پررنگی که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری می تواند و می باید ایفا نماید اشاره دارم .

همچنانکه می دانیم اکثریت طبقه کارگر امروز ایران را جوانانی تشکیل می دهند که سابقه و تجربه فعالیت و یا حتی ایجاد تشکل های مستقل کارگری را ندارند و شاید هنوز تصویر و درک درستی از انواع تشکل های کارگری (شورا ، سندیکا ، انجمن ها ، کمیته های کارخانه و ...) و نقشی که هر کدام از آنها می توانند در پیشبرد مبارزه طبقاتی داشته باشند ، ندارند .

بنابراین این نسل جدید نیازمند کمک و حتی آموزش در جهت تشکل یابی و سازمان یابی می باشد. اینجا منظور و هدف تحمیل نمودن نوع خاصی از تشکل بر کارگران نیست، چون نوع تشکل را خود کارگران با توجه به نوع مطالباتشان و نیز توازن قوای موجود و موقعیت و شرایط مبارزه تعیین می کنند.

مسئله بعدی در اینجا کمک به کارگران هفت تپه از طریق گسترده تر ساختن اعلام حمایت ها در وهله اول از طرف کارگران و سایر جنبش های اجتماعی در ایران می باشد. همچنین فعالان و پیشروان کارگری علاوه بر اینکه باید تکیه ی اصلی شان بر خود طبقه کارگر در این راستا باشد اما نباید از کمک ها و اعلام حمایت ها و همبستگی های بین المللی کارگری، در زمینه ی انعکاس معضلاتی که گریبانگیر طبقه کارگر ایران می باشد و نیز انعکاس اعتراضات و مبارزات بر حق آنان غافل بمانند. این اعلام حمایت ها و همبستگی ها به تقویت روحیه ی این کارگران اعتصابی و پایداری بر خواسته هاشان کمک می نماید. این را نباید نادیده گرفت که نقش حمایت نهادهای کارگری بین المللی و اعلام همبستگی آنان با کارگران ایران در مبارزات چند سال اخیر ایران بسیار بی سابقه بوده است. اما در اینجا باز هم تأکید میکنم که آنچه در اینجا مهم است نقش خود کارگران ایران در حمایت از هم طبقه ایهای خود می باشد.

چشم انداز مبارزه کارگران هفت تپه :

باید نسبت به این چشم انداز خوشبین بود ولی این خوشبینی نباید بی پایه و اساس باشد، خوشبینی من بر اساس پیشرفتی است که در نحوه ی اعتراضات و نوع و گستردگی مطالبات کارگران، همچنین طولانی شدن زمان اعتصابات، حمایت های گسترده سراسری و بین المللی از جنبش کارگری ایران، به چشم می خورد. ما باید با تمام توان و نیروی خود از مطالبات و خواسته های بر حق کارگران هفت تپه حمایت نمائیم. خواست های آنان مطالبات سراسری تمامی مزد بگیران زحمتکش جامعه می باشد. رسیدن آنان به خواسته هاشان، گامی بزرگ در نزدیک شدن طبقه کارگر و زحمتکش به اهداف اصلی و نهائی جنبش می باشد و نشان خواهد داد که قدرت سرکوب و ارباب سرمایه داری امری نامحدود و بی انتها نیست، تنها قدرت مبارزاتی کارگران و پیشروی آنان است که قدرت مذکور را محدود کرده و به عقب نشینی وادار می سازد.

در این میان باز هم باید به نقش گرایش چپ و سوسیالیست در متحد کردن کل طبقه کارگر از طریق پر کردن شکاف های موجود بین طبقه (شکافهای جنسیتی، شکافهایی را که خود قانون کار ایران و به طور اعم اقتصاد سرمایه داری به وجود آورده است مانند کارگران

شاغل در کارگاههای زیر ده نفر ،گسترده‌گی کارگرانی که تحت حاکمیت قانون قرارداد کار موقت مشغول به کار هستند ، کارگران شاغل در شاخه های صنعتی با سود و بازده بالا همچون صنعت نفت و صنایع جانبی آن ، ...) اشاره نمود . گرایش چپ باید نقش تاریخی خود را در ایجاد تشکل های مستقل کارگری و به عبارتی در متحد ساختن کارگران در ایران همیشه به یاد داشته باشد و سعی نماید که با مبارزه در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی (نظری ، اقتصادی ، و سیاسی) با دیگر گرایشاتی که در داخل طبقه ی کارگر سعی در پراکنده ساختن آنان از طریق سیاست آشتی و سازش طبقاتی دارند باز هم این نقش تاریخی را به خوبی ایفاء نمایند . گرایش سوسیالیستی بر اساس همان آموزه ی اصلی مارکس در مانیفست می دانند که باید در جریان مبارزه طبقه کارگر منافع آنی و آتی کل طبقه را مد نظر داشته باشند و همین مسئله به واقع نقطه تمایز آنان از سایر گرایشات داخل جنبش کارگری است . آنان باید موانع این اتحاد و همبستگی کارگران را واقع بینانه بشناسند و به کارگران نیز بشناسانند و در راه رفع این موانع تلاش کنند . به نظر من روشن بودن چشم انداز مبارزات کارگران نه تنها در هفت تپه بلکه در سراسر ایران در گرو این حضور منسجم وقاطع گرایش چپ در مبارزات اقتصادی طبقه کارگر می باشد .

بهنام کارگر
1387/3/11